فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۸، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، شماره پیاپی ۱۰۹
ابوالفضل عیسی‌آبادی، دکترای روابط بین الملل و رئیس دانشگاه پیام نور کمیجان
صفی‌اله شاه قلعه، کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه پیام نور کمیجان
A. Eissaabadi
S. Shahghalee
E-mail: asi١٣٥٤@yahoo.com
شماره مقاله: ۸۹۷ **صص: ٦٨-٤٩**
وصول: ۱۳۹۱/۴/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲

ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا

چکیده

ایران با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی، شرایط طبیعی و ارزش‌های فرهنگی، در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود رویدادهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. ایران در پهناورترین و کهن‌ترین قاره جهان یعنی آسیا واقع شده و دو قاره آسیا و اروپا را به هم وصل می‌کند. از نشانه‌های اهمیت این پل ارتباطی، اشغال این کشور طی دوجنگ جهانی اول و دوم به وسیله نیروهای متخاصم با وجود اعلام صریح بیطرفی از سوی ایران است. بنابراین، «موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پر اهمیت که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و همچنین تأثیرات عمیقی که بر تحولات سیاسی ـ اقتصادی حوزه‌های وسیعی، همچون آسیای مرکزی و قفقاز، شبه قاره و اقیانوس هند، خلیج‌فارس و آناتولی وارد می‌کند، به یک موقعیت حساس ژئوپلیتیکی تبدیل گردیده است. کشور ایران دارای استعدادهای محیطی، جغرافیایی و اقتصادی با قابلیت مبادلات اقتصادی خاص، منبعی برای درآمد دولت، چشم اندازی برای دفع یا جذب منابع اقتصادی و پایانه ای برای فعالیت‌های مخرب اقتصادی به شمار رفته و اینها از جمله مسائل مهم اقتصادی کشور به شمار می روند. ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی خاص خود، که کوهستانی بودن مرزهای غربی و بیابانی بودن مرزهای شرقی آن، سبب گسترش قاچاق کالا و دشواری مبارزه با آن شده است، وجود مرزهای طولانی با همسایگان، کنترل و نظارت بر ورود و خروج کالاها را از این مرزها را دشوار می‌سازد. قاچاق کالا با تحت تاثیر قرار دادن وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه، به ویژه اقشار آسیب پذیر، علاوه بر سلامتی، معیشت و اشتغال آنان را تهدید می‌کند. قاچاق کالا و ارز اگر بزرگترین معضل اقتصاد ایران نباشد، بی تردید برجسته‌ترین عارضه و علامت بیماری است که اقتصاد کشورمان به آن مبتلا شده است. این مقاله در صدد است تا ضمن بررسی اهمیت ژئوپلیتیک ایران از جهات گوناگون، به بررسی تأثیر ژئوپلیتیک بر قاچاق کالا و تداوم و تأثیر و چینش همسایگان بر تسهیل قاچاق به ایران پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، ایران، قاچاق کالا، توسعه یافتگی و مرز.

مقدمه:

سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم و تکنولوژی و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

قرار دارد، باعث می‌شود که نظام جهانی و نظام‌های منطقه‌ای و روابط دولت‌ها و ملت‌ها با یکدیگر دائماً در حال تحول و دگرگونی باشند. این واقعیت ضرورت مطالعه علمی و دقیق ماهیت پدیده‌های سیاسی را در سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی، کیفیت شکل‌گیری آنها و نیز عوامل پیدایش و بازتاب کارکرد پدیده‌ها را اجتناب ناپذیر می‌نماید و میدان عمل گسترده‌ای را فراروی ظرفیت‌های ژئوپولیتیکی و جغرافیای سیاسی ممالک قرار می‌دهد.

عملکرد دولت‌ها برگرفته از محیط ژئوپلیتیک و ایجاد شرایط تعامل در مجموعه‌ای از رفتارهای مکانی و زمانی آنان است، در عین حال، قرار گرفتن ایران در میان آبهای آزاد خلیج فارس و دریای عمان در جنوب و دریای خزر در شمال، این کشور را در موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیکی قرار داده است. به همین دلیل موقعیت مناسب و ممتاز، ایران همواره در استراتژی‌های جهانی جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. از طرفی ژئوپلیتیک ایران هم عاملی شده که قاچاق کالا به راحتی وارد کشور شود و از سوی مبارزه با پدیده قاچاق کالا مشکل و هزینه‌بر برای ایران باشد.

سؤال‌های تحقیق:

- ژئوپلیتیک ایران چه تأثیری بر قاچاق کالا دارد؟
- میزان توسعه کشورهای همسایه و استان‌های مرزی ایران چه تأثیری بر قاچاق کالا دارد؟

فرضیه‌های تحقیق:

- در قاچاق کالا از مسیر ایران عوامل و زمینه‌های مختلفی دخالت دارند که از مهمترین این عوامل موقعیت ژئوپلیتیکی آن است. کشور ایران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی و شرایط طبیعی، از نظر موقعیت ژئوپولیتیکی باعث قاچاق کالا و گسترش آن شده است.
- عدم توسعه در استان‌های مرزی و کشورهای همسایه عاملی اساسی در قاچاق کالا و استمرار آن در ایران است.

روش پژوهش:

در این پژوهش سعی شده است از طریق روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای – اینترنتی در صورت لوزم از داده‌های آماری و نمودار به این سؤال‌ها پاسخ داده شود.

چارچوب نظری:

تمامی تحقیقات کاربردی نیازمند چارچوب یا مدلی مفهومی هستند که بتوان بر اساس آن به بررسی ابعاد موضوع و ارتباط بین متغیرهای تحقیق پرداخت (ادواردز و همکاران،۳۲:۱۳۷۹). پژوهش ارائه شده نیز براساس تأثیر ژئوپلیتیک ایران بر قاچاق کالا استوار است و چارچوب تحلیلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

ژئوپلیتیک:

امروزه ژئوپلیتیک به یکی از بحث بر انگیزترین موضوعات مورد توجه اندیشمندان و رهبران سیاسی جهان تبدیل شده است. ژئوپلیتیک از اوایل قرن بیستم با طرح اندیشه مکیندر مطرح شد و در سال‌های بعد با استقبال اندیشمندان سیاسی روبه‌رو گردید.

از زمانی که واژه ژئوپلیتیک وارد عرصه علوم جغرافیایی شد، دنیا تحولاتی عظیم را به خود دیده است. اندیشه‌های برخاسته از این مفهوم جدید در عرصه سیاست توانسته است گردش قدرت را به صورت کاملاً تاثیرگذار و علمی مطرح نماید، به گونه‌ای که امنیت سیاسی– اجتماعی جهان را در مقیاس‌های جهانی، منطقه‌ای و محلی هدفمند و روشمند ساخته و کشورها را با الگوهایی برخاسته از موقعیت و سایر ویژگی‌های ژئوپلیتیک مورد بحث قرار دهد(رفیع ،۹۶:۱۳۸۷).

از منظر ژئوپلیتیک، شناخت ابعاد جغرافیایی در فرآیند تحقیق بر نظمی منطقی و در روند تحلیل بر بهره‌گیری استوار است که در طول زمان در ارتباط با مفهوم قدرت تأثیرات خود را در صحنه سیاسی یک محیط جغرافیایی بر جا نهاده‌اند. در مطالعات جغرافیای سیاسی نقش‌آفرینی درون کشور روی پدیده قدرت پیگیری می‌شود. در واقع، جغرافیای سیاسی به مطالعه اثر تصمیم‌گیری سیاسی بر محیط جغرافیایی می‌پردازد، مانند تقسیم زمین و مرزها، اما ژئوپلیتیک، نقش محیط جغرافیایی را در تصمیم‌گیری سیاسی بررسی می‌نماید (مجتهدزاده، ۳۵:۱۳۷۹).

از این رو، تحلیل ژئوپلیتیک در اتخاذ سیاست عملی دولت‌ها می‌تواند از قابلیت خوبی برخوردار باشد. از آنجا که بین عوامل جغرافیایی و سیاست دولت‌ها ارتباط وجود دارد، دولت‌ها با توجه به اوضاع جغرافیایی کشور خود اقدام به سیاست‌گذاری می‌کنند. به همین دلیل، مطالعات ژئوپلیتیکی اهمیت ویژه‌ای دارد (Sulivan,۱۹۸۶:۲).

به بیان دیگر، می‌توان گفت در مطالعات ژئوپلیتیک، مطالعه کارکرد منطقه‌ای و جهانی این مکانیزم مورد توجه قرار می‌گیرد و جغرافیای سیاسی درگیر تحلیل فضایی پدیده‌های سیاسی است. به سخن دیگر، ژئوپلیتیک یا سیاست زمین، نقش عوامل جغرافیایی در سیاست ملل را بررسی می‌نماید.

تعاریف ژئوپلیتیک:

ژئوپلیتیک از زمان وضع آن در یک قرن گذشته از نظر مفهومی شناور بوده و هنوز بر سر ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد و دیدگاه‌های متفاوتی درباره ماهیت آن ابراز و برای آن تاکنون تعاریف فراوانی ارائه شده است. در ژئوپلیتیک(Geopolitics) ژئو(Geo) به معنی زمین و پلیتیک(politics) به معنای سیاست است و معادل فارسی آن سیاست جغرافیایی است که دیدگاهی برای سیاست بین‌الملل است تا رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی را بر حسب محیط طبیعی توضیح دهد. بر طبق این رویکرد ژئوپلیتیک با درجات مختلف، بیانگر تاثیر قطعی جغرافیا بر امور تاریخی- سیاسی است(Alton & Plano, ۱۹۸۸:۹۸). ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است(میرحیدر، ۲۲:۱۳۷۷).

ژئوپلیتیسین‌ها با دیدگاه‌های مختلف، تعاریف متنوعی را از ژئوپلیتیک ارائه نموده‌اند. برخی از این تعاریف همچنان قالب کلاسیک خود را حفظ کرده و برخی از تعاریف کاملاً نو به نظر می رسند:

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

به نظر ریمون آرون، ژئوپلیتیک عبارت است از: «ترسیم جغرافیایی روابط دیپلماتیک– استراتژیک به وسیله تحلیل جغرافیایی– اقتصادی منابع طبیعی، و تفسیر گرایش‌های دیپلماتیک به عنوان معلول شیوه زندگی و محیط زیست (چادرنشینی، غیرمهاجر، کشاورزی، دریایی) (Aron,۱۹۹۶:۱۹۱).

هاوس هوفر نیز معتقد است ژئوپلیتیک« علمی است که جهات پیوستگی زمین را برای پیشرفت و توسعه سیاسی بررسی می‌کند» (Dikshit,۱۹۹۵:۱۳). لورو و توال ژئوپلیتیک را«روش ویژه‌ای» می‌دانند که پدیده‌های بحرانی را کشف و تحلیل می‌کند و راهبردهای تهاجمی یا دفاعی را بر سر یک محدوده ارضی از نظر محیط جغرافیایی، انسانی و طبیعی تعریف می‌کند (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۳۴).

سوئل کوهن معتقد است: «ژئوپلیتیک مطالعه کاربردی روابط جغرافیایی میان فضا و سیاست است. ژئوپلیتیک تأثیر دو جانبه الگوهای فضایی، اشکال و ساختارها را با عقاید سیاسی و سازمان‌ها مطالعه می‌کند. کنش متقابل فضایی و فرآیندهای سیاسی در تمامی سطح (محلی، ملی، قاره‌ای و جهانی) سیستم ژئوپلیتیک بین‌الملل را قالب‌ریزی و ایجاد کرده است» (Cohen,۱۹۷۸: ۱۷). کلازداد ژئوپلیتیک را رویکرد می‌داند و در تعریف آن می‌نویسد: ژئوپلیتیک«رویکرد» ویژه‌ای به سیاست‌های جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تاکید دارد(حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۳).

ایولاکست نیز معتقد است: «ژئوپلیتیک، حتی در جهان امروز که ابر قدرت‌ها دارای تفوقی نسبت به یکدیگر هستند، تنها به معنی رقابت استراتژی در ابعاد جهانی نیست. ژئوپلیتیک همچنین مجموعه پیچیده نیروهای متخاصم و متعددی است که برای سرزمین‌های به ابعاد کوچک به کشمکش می‌پردازد، خواه به این منظور که به رغبت یا زور، تفوق سیاسی خود را برقرار سازند و خواه به این منظور که رقبای خود را بی‌کم وکاست از صحنه بیرون رانند و این معنی ژئوپلیتیک شاید مقبولیت بیشری نیز داشته باشد» (لاکست، ۱۳۶۸: ۷).

تعاریف دیگری که می‌توانیم از ژئوپلیتیک بیان کنیم، عبارتند از: « مطالعه کشورها به عنوان پدیدارهای ویژه برای درک چگونگی دستیابی آنها براساس جغرافیای قدرتشان (تقوی اصل،۷:۱۳۷۹). «مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون شونده جهان» (مینایی،۲۱:۱۳۸۱).

بنابراین، اگر بخواهیم تعریف دقیقی ارائه دهیم، باید بگوییم: ژئوپلیتیک مطالعه ترتیب و توالی قدرت در جهان سیاسی تقسیم شده و از هم گسیخته است. در واقع، این تعریف با بیانی دقیق‌تر هم شکل جهانی این ترتیب و توالی را در نظر دارد و هم اشکال منطقه‌ای آن را مطالعه می‌کند و هم موازنه مفید در بازی قدرت را ایجاد می‌کند.

اهمیت ژئوپلیتیک

به اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان فرانوگرا، «تمامی مفاهیم دارای تاریخ و جغرافیا هستند و مفهوم ژئوپلیتیک نیز در شمول همین قاعده قرار می‌گیرد» (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۱). واژه ژئوپلیتیک برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف کیلن سوئدی به کار برده شد. او در هنگام بیان نظریه خود تحت عنوان «کشور موجودی زنده» با ارایه ساختاری پنج وجهی از کشور، ساخت فیزیکی- فضایی کشور را ژئوپلیتیک نامید (Taylor,۱۹۹۳: ۳۳). کیلن، به خوبی توانسته است در رساندن معنی ارتباط کلی جغرافیا و سیاست (ژئوپلیتیک) مؤثر باشد. ارائه تعریفی از ژئوپلیتیک، کار دشواری است، زیرا مفاهیمی نظیر ژئوپلیتیک تمایل به تغییر و تحول دارند، همان‌گونه که دوره‌های تاریخی و ساختارهای نظم جهانی

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

تحول می‌یابند. در سال‌های اولیه قرن بیستم، متفکران امپریالیستی، ژئوپلیتیک را به عنوان آن بخش از دانش استعماری غربی درک نمودند که از رابطه جغرافیای طبیعی و زمین با سیاست بحث می‌کرد(تقوی اصل،۹:۱۳۷۹).

وزیر امورخارجه پیشین آمریکا، هنری کیسینجر باعث شد که اصطلاح ژئوپلیتیک در دهه ۱۹۷۰ احیاء شود. او این واژه را مترادف با بازی ابرقدرت‌ها در زمینه سیاست‌های موازنه قدرت که در سراسر نقشه‌ی سیاسی جهان انجام می‌شد، به کار گرفت(کسینجر،۵۷:۱۳۸۳). از آنجا که ژئوپلیتیک دوباره به عنوان سازنده‌ی سیاست خارجی، از سوی تحلیلگران مسائل راهبردی، مدیریت‌های فراملی و دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گرفت، تلاش شد تا معنی ویژه‌ای از تحولات و تحرکات نقشه‌ی سیاسی جهان ارائه شود. یکی از دلایلی که ژئوپلیتیک دوباره عمومیت پیدا کرد، این است که با بصیرتی جامع درباره نقشه سیاسی جهان بحث می‌کند. ژئوپلیتیک تصویری کلان را ترسیم می‌کند و روش ارتباط تحولات محلی و منطقه‌ای با نظام جهانی به عنوان یک کل را پیشنهاد می‌دهد. ژئوپلیتیک طیف وسیعی از وقایع، برخوردها و تحولات را در درون یک چشم‌انداز راهبردی بزرگ قالب‌گیری می‌کند و دیدگاه وسیعی را ارائه می‌دهد که مورد علاقه و مطلوب بسیاری از افراد است. هچنین، یک شیوه فضایی اندیشیدن درباره آرایش بازیگران، عناصر و موقعیت‌های گوناکون را به طور همزمان بر روی صفحه شطرنج جهان نشان می‌دهد(واعظی،۲۶:۱۳۸۶-۲۴).

برای برخی رابطه بین سیاست‌ها با زمین بیش از پیش مهم شده است، آن گونه که دولت‌ها و مردم می‌کوشند در باره تخریب و آلودگی محیطی، کاهش منابع آبی و گرم شدن زمین بحث کنند. برای اندیشمند حوزه مسائل زیست - محیطی و سیاستگذار محیطی، ژئوپلیتیک جدید، ژئواکونومیک نیست، بلکه سیاست‌های اکولوژیکی و یا اکوپلیتیک می‌باشد(واعظی، ۳۱:۱۳۸۶-۳۲).

قاچاق کالا:

انسان با توجه به سرشت و طبیعت خویش همیشه نیازمند امنیت بوده و به عناوین مختلف در جستجوی آن است؛ به طوری که امروزه یکی از مهمترین عوامل تهدیدکننده نظم و امنیت هر کشوری پدیده قاچاق می‌باشد. شایان ذکر است که این پدیده هم اکنون بیش از سایر پدیده‌ها، از تنوع و گستردگی زیادی برخوردار است و زیان بیشتری را بر اقتصاد و رشد ایران دارد.

کلمه قاچاق از واژه ترکی قاچماق به معنی فرار و زیرکی گرفته شده و به مرور در زبان فارسی به مفهوم فرار از قوانین و مقررات متدوال گردیده است(شکیبائی، ۴۹:۱۳۸۷). و از نظر علم اقتصاد به صورت مشخص به ورود و خروج کالا به صورت مخفیانه از مرزهای کشور، قاچاق می‌گویند. کالای اقتصادی را که قاچاق می‌شود، کالای قاچاق می-نامند.

قاچاق کالا شفافیت اطلاعات و آمارهای اقتصادی را از بین می‌برد و صحت آن را نیز مورد تردید قرار می‌دهد و نمی‌توانیم آمار رسمی کشور را معرف آمار واقعی بدانیم. قاچاق کالا در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی اختلال ایجاد می‌کند. در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فرض بر آن است که نشانه‌های دریافتی از شبکه اطلاعات درست است و شاخص‌های موجود پوشش کاملی از جامعه مورد مطالعه است، اما فعالیت‌های قاچاق از این دقت می-

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

کاهد و تصمیمات را گمراه می‌کند. مثلا آمار بیکاری واقعی را کمتر از آمار رسمی نشان می‌دهد و تأثیرات تورمی را بر قدرت خرید مردم بیش از حد نمایان می‌سازد (میرمحمدی، ۳۴:۱۳۸۲).

نتایج گویای آن است که مهمترین عامل تأثیرگذار بر وقوع و افزایش قاچاق کالا ، چربیدن ریسک و به خطر انداختن خود در قبال وارد کردن کالاهای غیر قانونی و غیر مشروع، است. موقعی که این متغیر را با متغیر ویژگی‌های فرهنگی در ارتباط می‌گذاریم، تأثیر آن بیشتر خواهد شد. به عبارت دیگر، متغیر اقتصادی، همراه با متغیر فرهنگی، تأثیر بیشتری بر ایجاد و یا عدم ایجاد قاچاق کالا دارد؛ به این معنی که متغیر فرهنگی افراد را به این سمت سوق می‌دهد(ملایی، ۱۷۲:۱۳۸۶).

بر اساس اعلام ستاد مرکزی مباره با قاچاق کالا و ارز، کالاهای قاچاق عبارتند از: ۱- مشروبات الکلی؛ ۲- رایانه؛ ۳- موبایل و لوازم جانبی؛ ۴- اتومبیل و لوازم آن؛ ۵- لوازم خانگی؛ ۶- آبمیوه؛ ۷- منسوجات (پوشاک، پارچه، کیف و کفش)؛ ۸- پتو؛ ۹- برنج؛ ۱۰- چای؛ ۱۱- لوازم آرایشی؛ ۱۲- مصالح ساختمانی؛ ۱۳ – سایر کالاها که در جدول (۱) به نوع و ارزش ریالی آنها اشاره خواهد شد.

جدول شماره ۱- قاچاق واردات کالا- شش ماهه اول ۱۳۸۷

ردیف	نام کالا	ارزش ریالی	ردیف	نام کالا	ارزش ریالی
۱	رایانه	۱۳۸۶۴۶۳۳۰۷۶۴	۱۰	پارچه	۳۶۷۷۹۴۷۹۹۷۴
۲	لوازم صوتی	۱۱۰۵۷۱۴۰۵۲۱۳	۱۱	کفش و دمپایی	۱۸۲۲۰۴۱۷۸۶۰
۳	موبایل و لوازم جانبی	۵۰۶۴۴۰۰۴۴۷۸	۱۲	پتو	۱۳۸۹۳۹۵۲۱۸۷
٤	اتومبیل	۴۱۱۰۳۵۹۲۱۲۰	۱۳	مشروبات الکلی	۱۷۸۰۹۱۳۲۵۹۸۲
۵	ماهواره و تجهیزات	۲۰۳۲۵۴۳۳۸۸۱	۱٤	چای	۱۱۹۵۱۰۹۸۷۹۵
٦	لوازم خانگی	۹۸۴۳۸۱۳۱۴۵	۱۵	برنج	۹۱۳۳۷۰۷۰۴۱
۷	آبمیوه	۶۳۷۸۴۲۳۰۹۱	۱٦	مصالح ساختمانی	۸۹۳۲۱۳۶۳۲۵
۸	سایر ماشین آلات	۱۲۴۶۶۶۲۳۳۶۹۵	۱۷	لوازم آرایشی	۶۶۹۴۲۲۰۹۹۸
۹	پوشاک	۱۰۸۳۱۶۸۴۲۰۳۵	۱۸	سایر کالاها	۶۵۳۵۶۱۶۵۲۳۹
جمع کل		۹۱۸۴۴۵۰۹۰۷۰۳			

منبع: ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز

تجارت غیر رسمی یا قاچاق ، یکی از مشخص‌ترین آثار بیمار گونه فرهنگی در نواحی حاشیه‌ای است که صرفاً به دلیل فقر و فقدان هماهنگی میان مردم منطقه، بی‌ثباتی و اختلاف در سطح قیمت‌ها و ضعف عوامل اجرایی به وجود آمده است. غیر قابل کنترل و ناپذیرا بودن مناطق مرزنشین و زیر زمینی بودن عملیات قاچاق موجب شده است که دولت‌ها در کنترل و سالم سازی مناطق حاشیه نشین به شیوه‌های نوینی از همکاری متقابل منطقه ای هدایت شوند(فرهنگ‌آذر،۲۲۸:۱۳۸۶).

در یک تقسیم بندی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا به چهار عامل تقسیم می‌شوند:

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

– عوامل اقتصادی مانند افزایش میزان بیکاری، پایین بودن میزان درآمد، نبود سرمایه‌گذاری اساسی در صنایع و افزایش بیکاری؛

– عوامل قانونی مانند بی‌ثباتی در قوانین و مقررات و شفاف نبودن آنها و افزایش تعرفه‌های گمرکی، دخالت بیش از حد دولت و ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی؛

– عوامل سیاسی و امنیتی مانند بی‌ثباتی در کشورهای افغانستان و پاکستان و کمبود تجهیزات و امکانات برای کنترل مرزها؛

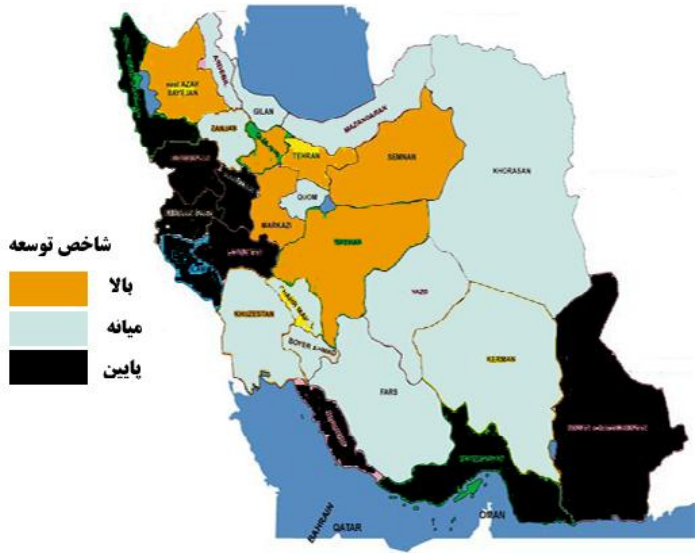
– عوامل جغرافیایی مانند مرزهای گسترده آبی و خاکی، موقعیت و فضای مناسب قاچاق در کشورهای همسایه (نمک شناس،۲۴:۱۳۸۴).

اولین تهدید قاچاق کالا ، موضوع عدم امنیت مردم مناطق مرزی و حاشیه نشین‌هاست که باید همواره در بین درگیری‌های نیروهای مبارزه با کالای قاچاق و قاچاقچیان باشند. مسأله بعدی تهدید اقتصادی است که از طریق عدم پرداخت عوارض کالا وارد کشور می‌شود و ضمن این که باعث می‌شود کالاهای ساخت داخل بازار خود را از دست بدهند، کارگران نیز ورشکسته می‌شوند.از نگاه سوم قاچاق کالاهای غیر اخلاقی همچون مشروبات الکلی ، لوازم آرایش و ... امنیت اخلاقی را نیز از بین می‌برد و همه این تهدیدات اگر چه به تمام ارکان جامعه آسیب می‌رساند ، اما حاشیه نشینان بیشتر از همه در لبه تیغ قرار دارند (حاتمی، ۱۵۲:۱۳۸۶).

دستیابی به توسعه و اصلاح زیر ساخت‌های اقتصادی کشور محور اصلی و برنامه‌های دولت‌هاست. امّا در فرایند طی شده به این هدف ممکن است موضوعاتی وجود داشته باشند که همواره به صورت دست انداز، مانع مسیر رشد و توسعه پایدار باشند. قاچاق کالا از ایران یکی از مهمترین این موانع به شمار می‌آیند. در هر حال، قاچاق دشمن اصلی تولید محسوب می‌شود و توسعه را به طور مستقیم، هدف قرار می‌دهد.

در یک جامعه سالم، اشتغال سرچشمه اصلی درآمد افراد و خانواده‌هاست و حقوق و دستمزدها، روز به روز سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص می‌دهد و سهم درآمدهایی همچون اجاره، بهره درآمد از محل دارایی‌های منقول – که نشان از چگونگی توزیع ثروت ملی دارد– به نسبت اندک است و در هر حال، قاچاق دشمن اصلی تولید محسوب می‌شود و توسعه را به طور مستقیم، هدف قرار می‌دهد(پرهام فر،۲۲۳:۱۳۸۶). بنابراین، یک رابطه مستقیم بین توسعه و قاچاق کالا می‌توان برقرار کرد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]



نقشه شماره ۱- نابرابری در شاخص توسعه

منبع: یاسوری، ۱۴۳:۱۳۸۴

توسعه نیافتگی عامل اصلی ناامنی است؛ بر این اساس، برای تحقق امنیت در مناطق مرزی و حاشیه‌ای، ابتدا باید توسعه را به‌منطقه وارد کرد و سپس نتایج توسعه در تحقق و استقرار امنیت کمک می‌کند(عندلیب، ۱۹۲:۱۳۸۰). لذا بیشترین قاچاق کالا از استان‌هایی گزارش می‌شود که بالاترین بیکاری و کمترین توسعه یافتگی را دارند.

جدول شماره ۲ – برخی شاخص‌های اقتصادی اجتماعی در استان‌های مرزی

ردیف	نام استان‌ها	نرخ بیکاری	نرخ باسوادی	نرخ تورم	درصد شاغلان صنعتی با تحصیلات بالا	ضریب توسعه اجتماعی	ضریب توسعه اقتصادی	رتبه‌بندی بر اساس ضریب توسعه اجتماعی و اقتصادی
۱	آذربایجان‌شرقی	۷/۲۰	۳/۷۵	۱۰۸	۱۴	/۳۳۸	/۷۶۹	۹
۲	ایلام	۱/۱۴	۷۶	۴/۱۴	۵	/۳۰۸	/۱۱۷	۴
۳	بوشهر	۷/۱۷	۵/۷۹	۶/۱۰	۱۲	/۳۷۱	/۲۷۵	۵
٤	خراسان	۳/۱۵	۵/۸۰	۷/۱۱	۹	/۴۵۰	/۶۵۱	۱۰
۵	خوزستان	۶/۱۸	۶/۷۶	۱۳	۱۳	/۳۳۷	/۳۰۵	۷
٦	سیستان‌وبلوچستان	۷/۲۶	۱/۵۷	۱۲	۴	-/۱۱۶	/۰۴۰	۱
۷	کردستان	۲/۲۳	۲/۶۸	۵/۱۰	۷	/۱۰۱	/۴۷۷	۳
۸	کرمانشاه	۹/۲۱	۴/۷۶	۳/۱۲	۹	/۳۳۶	/۲۹۹	۶
۹	گلستان	۷/۱۴	-	۶/۸	۷	-	-	-
۱۰	گیلان	۶/۱۳	۶/۷۹	۲/۱۱	۷	/۴۲۲	/۶۲۶	۸
۱۱	هرمزگان	۴/۱۷	۶/۷۲	۹/۹	۱۸	/۱۸۰	/۱۸۰	۲

منبع: تلفیق: یاسوری، ۱۳۸۴: ۲۱۲-۲۱۱ ، گزارش اقتصادی – اجتماعی بانک مرکزی ۱۳۸۱ و علوی تبار ۱۳۸۰

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

در جدول (شماره ۲) و نقشه (شماره ۱) مشاهده می‌کنیم که استان‌های مرزی ایران بیشترین درصد بیکاری، تورم و کمترین توسعه اقتصادی و اجتماعی را دارند و این عوامل زمینه گرایش مردم را به شغل‌های کاذب، از جمله قاچاق کالا وادار می‌سازد. از این رو، می‌توانیم یک رابطه مستقیم با بیکاری، تورم بالا و عدم توسعه در استان‌های مرزی کشور و قاچاق کالا برقرار کنیم.

برای آنکه ضریب امنیت را در مناطق حاشیه‌ای افزایش دهیم، باید یک سری فعالیت‌های آمایشی مربوط به توسعه سایر بخش‌ها را انجام دهیم. بنابراین، باید در مناطق حاشیه‌ای ساختار فضایی سکونتگاه‌های آن را متحول کنیم و الگوی توزیع جمعیت و فعالیت‌ها را تغییر دهیم و با آمایش سرزمین قابلیت‌ها و فرصت‌های جدید تعبیه نماییم و با تجهیز حاشیه-ها و ارتقای سطح معیشتی ساکنان سبب توسعه گردیم (حافظ نیا، ۵۶:۱۳۸۱).

در قاچاق کالا بر خلاف تجارت رسمی، نوع کالا و قیمت و میزان آن مشخص نیست، بنابراین، برنامه‌ریزی‌های تولیدی و سیاست‌های تجاری دولت و بخش خصوصی همواره با خطرپذیری همراه است. تولیدکنندگان با توجه به این خطرپذیری یا در فرآیند تولید شرکت نمی‌کنند یا در صورت ورود آگاهانه، بازگشت سرمایه بالاتری را در زمان کوتاه-تر طلب می‌کنند، دولت هم در برنامه‌ریزی تولیدی با همین مشکل روبه رو است (وطن پور، ۷:۱۳۸۷).

در این حالت، قاچاق کالا با توجه به تأثیراتی همچون بی ثباتی اقتصادی و اختلال در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و سیستم توزیع باعث بی‌رنگ شدن نظارت دولت و آسیب‌پذیری اقتصادی کشور خواهد شد. قاچاق در مقیاس وسیع می-تواند بهینه‌سازی نظام تولید، توزیع و مصرف را به شکست بکشاند و سازوکارهای مالی و پولی نظام اقتصادی را ناکارآمد و دامنه آن را به سیاست‌های بازرگانی و موازنه تجاری توسعه دهد. همچنین، ورود کالاهای غیرضروری و غیرمؤثر بر فشردگی رقابت صنایع ملی در بازار داخلی اثر منفی دارد(مقدسی، ۹:۱۳۸۰).

در کل، قاچاق کالا پدیده ای چند وجهی است، اما مهترین علل و عوامل که در شکل‌گیری آن نقش دارند عبارتند از:

- سودآوری بالا کالای قاچاق در مقابل ریسک پایین آن: سودآوری بالای قاچاق کالا از مهترین دلایل گرایش به این امر است و این سود ناشی از تفاوت قیمت‌ها در بازار داخل با کشورهای همجوار است؛ به طوری که مهمترین عامل گرایش افراد به قاچاق انرژی، بخصوص نفت را می‌توان سودآوری بالای آن دانست؛ حتی بنا به گزارشی، قاچاقیان سوخت بیش از قاچاقچیان مواد مخدر سود می‌برند؛ به طوری‌که قاچاقچیانی که بنزین را از ایران به ترکیه ترانزیت می‌کنند، بیش از سه برابر سود قاچاق مواد مخدر سود خالص می‌برند.

- پرداخت یارانه به برخی از کالاها در داخل کشور: ایران از جمله کشورهایی است که برای تعدیل قیمت‌ها و حمایت از اقشار فقیر جامعه به کالاهای اساسی یارانه اختصاص می‌دهد و لذا باعث کاهش قیمت آن با دیگر کشورهای همسایه می‌شود، به طوری که گاهی چندین برابر پایین تر از کشورهای همسایه است. ارزان بودن برخی کالاها یارانه‌ای نسبت به کشورهای همجوار به تشدید قاچاق این کالاها به خارج از کشور منجر شده است.

- بالا بودن تعرفه‌های گمرکی: گاهی تعرفه‌های تعیین شده به عنوان سود بازرگانی آنقدر بالاست که ورود کالا به صورت قاچاق را تشویق می‌کند. در اصل فلسفه تعرفه بالا باید در اصل حمایت از تولیدات داخلی و افزایش سطح اشتغال باشد و در مرحله بعدی ایجاد درآمد برای خزانه دولت. اما تعرفه‌ها برای دولت، با نگاه درآمدی است، و این

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

مسأله باعث دائمی شدن تعرفه‌ها می‌شود لذا سبب می‌شود که تولیدکنندگان تلاشی برای تولید با کیفیت‌تر نکنند و تولید داخلی همواره در سطح پایین بوده و در نتیجه زمینه‌های تشدید قاچاق میسر شود.

- کیفیت پایین و قیمت بالای کالاهای تولید داخلی: گاهی کالاهای تولید داخل از کیفیت بسیار پایینی برخوردار است که قابل قیاس با مشابه خارجی نبوده و چون از حمایت‌های دولتی برخوردار و از یک نوع انحصار داخلی برخوردار است، قیمت آن نیز بالاست.

- بوروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد: بورکراسی و ساختار اداری ناکارآمد به افزایش هزینه تولید و تجارت در اقتصاد رسمی منجر خواهد شد، گاه گرفتن مجوز برای تولید یا صادرات از مراکز متعدد تصمیم‌گیری، با بهره‌وری پایین به بیش از یک ماه زمان نیاز دارد که هزینه و قیمت تمام شده را برای تولید و صادر کننده به‌شدت افزایش می‌دهد. بنابراین، با این گونه هزینه‌ها انگیزه فعالیت در بخش غیر رسمی یا به عبارتی قاچاق کالا افزایش می‌یابد.

- محرومیت ساکنان مناطق مرزی: از عواملی که سبب گسترش قاچاق کالا در کشور شده، وضعیت جغرافیایی کشور است، وجود هزاران کیلومتر راه آبی و خاکی در مرزها و همچنین، همجواری با کشورهای بحرانی(افغانستان، پاکستان و عراق) سرمایه‌گذاری مولد در مناطق مرزی را کاهش می‌دهد. در نقاط مرزی کشور به علت فقر و نبود فرصت شغلی و تورم بالا افراد به منظور تأمین نیازهای معیشتی و مالی خود اقدام به قاچاق کالا می‌کنند.

ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا:

فضای ژئوپلیتیک هر کشور تحت تأثیر عوامل مختلف و کارکردهای آنها می‌تواند در طیفی از شرایط کاملاً مساعد تا شرایط نامساعد قرار داشته باشد. بازیگران ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تحت تأثیر اهداف خاص خود می‌کوشند محیط ژئوپلیتیک یک کشور را تعریف و تبیین نمایند . محیط ژئوپلیتیک ایران، عمدتاً تحت تأثیر موقعیت جغرافیایی و برخی متغیرهای ژئوپلیتیکی، آسیب‌پذیر است و می‌تواند فرایندهای اقتصادی و توسعه ملی آن را متأثر سازد (حافظ‌نیا، ۴۷۱:۱۳۸۰). به لحاظ موقعیت ارتباطی، فضای جغرافیایی ایران در محور شمال – جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا و آسیا و اقیانوسیه، بویژه آسیای جنوبی و جنوب شرقی قرار دارد. از این رو، ایران در معرض تعاملات، استراتژیک و جابه‌جایی‌هایی قرار دارد که به هر نحو با موقعیت ارتباطی ایران مرتبط باشند(حافظ‌نیا، ۱۵:۱۳۸۱).

از نظر جغرافیایی، ایران با مساحتی برابر با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع، از شمال به دریای خزر و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان، نخجوان و ترکمنستان محدود است، از شرق به افغانستان و پاکستان و از غرب به ترکیه و عراق و از جنوب به خلیج‌فارس و دریای عمان و گوشه شمالی اقیانوس هند.

حوزه‌های ژئوپولیتیک مرتبط با ایران به طور خلاصه عبارتند از:

۱- حوزه قفقاز و آناتولی: (ایران، ارمنستان، آذربایجان، روسیه و ترکیه)، که غیر از روسیه ایران با سه کشور دیگر همسایه است.

۲- حوزه دریای خزر: (ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان)، که ایران در خشکی با دو کشور ترکمنستان و آذربایجان همسایه است و در آب نیز با روسیه و قزاقستان.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

۳- حوزه فلات ایران: (ایران، پاکستان، افغانستان) ایران با هر دو کشور همسایه است.

۴- حوزه آسیای مرکزی: (همسایگی ایران با ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان)؛

۵- حوزه خلیج فارس: (ایران، عراق، عربستان، کویت، امارات، قطر، بحرین و عمان)، ایران با همه این کشورها از لحاظ دریایی و تنها با عراق از لحاظ خشکی هم مرز است.

از این رو، ایران به همراه چین و پس از روسیه رکوردار تعداد همسایه در جهان است. ایران با ۱۵ کشور مستقل مرز مشترک خشکی و آبی دارد(کریمی‌پور، ۲۳:۱۳۷۹). طول مرزهای ایران بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر است که حدود ۶۰۳۱ کیلومتر از خط مرزی را رودخانه‌ها، مرداب‌ها و باتلاق‌ها، جنگل‌ها، استپ‌ها، کویرها، کوهپایه‌ها و کوهستان‌ها که در شمار مرزهای خشکی محسوب می شوند، تشکیل می دهند و طول مرزهای دریایی ایران در سه ساحل خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر ۲۷۰۰ کیلومتر است (همان: ۲۲۱). بدیهی است که کنترل استراتژیک و یا امنیتی این مرزهای طولانی امری دشوار است. بر این اساس، تأمین امنیت درازمدت ملی و کشوری به ویژه در مناطق حاشیه‌ای با توجه به تداخل‌های قومی- مذهبی جمعیت مرزی با فضای سرزمینی همسایگان ارتباط امنیت کشوری و ناحیه‌ای با قاچاق کالا را با چالش اساسی مواجه ساخته است.

جدول شماره ۳- طول مرزهای ایران

ردیف	نام	کیلومتر	ردیف	نام	کیلومتر
۱	مرزهای آبی	۲۷۰۰	۵	افغانستان	۹۵۴
۲	عراق	۱۶۰۹	٦	آذربایجان	۷۶۷
۳	ترکمنستان	۱۲۰۴	۷	ترکیه	۴۸۶
٤	پاکستان	۹۷۸	۸	ارمنستان	۴۰

مأخذ: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

در جدول (شماره ۳) طول مرزهای ایران با کشورهای همسایه چه از طریق خشکی و یا آبی را می‌بینیم. وجود مناطق کوهستانی در غرب کشور و مناطق بیابانی در شرق و همچنین، مرزهای دریایی در شمال و جنوب کشور باعث به وجود آمدن معابر و محورهای متعدد ورود و خروج کالای قاچاق در مرزها می گردد. همان‌گونه که بیان گردید، وسعت زیاد، نیاز به نیروهای مسلح را در سطحی وسیعتر ضروری می‌نماید، که این مهم اگر تحقق نپذیرد، باعث بروز مشکلات امنیتی به واسطه گسترش قاچاق در مناطق مرزی می گردد.

ایران در شرق با افغانستان و پاکستان؛ در شمال شرقی با ترکمنستان، در بخش میانی شمال با دریای خزر، در شمال غربی با جمهوری آذربایجان و ارمنستان؛ درغرب با ترکیه و عراق؛ و سرانجام در جنوب با آبهای خلیج فارس و دریای عمان همسایه‌است. بیشترین کالاهای وارداتی قاچاق و بیشترین کالاهای صادراتی قاچاق از کشورهای همجوار و همسایه ایران صورت می گیرد.

ایران بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر با کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه و عراق مرز خشکی مشترک دارد. اگر کناره های خلیج فارس و دریای عمان و خزر را به آن بیفزاییم، طول مرزهای ایران

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

به حدود ۸۷۳۱کیلومتر می رسد. طول مرزهای کشور ایران و عراق در مقایسه با مرزهای ایران با دیگر کشورهای همسایه در مقام اول است. کوتاهترین مرزهای ایران درمیان کشورهای مجاور، مرز ایران و ارمنستان است. مرزهای سیاسی کنونی ایران به مرزهای شمالی، مرزهای شرقی، مرزهای غربی و مرزهای جنوبی تقسیم می‌شود. لذا در بحث ژئوپلیتیک ایران، کشورهای همسایه و پرداختن به چگونگی قاچاق به داخل و خارج لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

همسایگان غربی ایران(ترکیه و عراق): طول مرزی ایران با کشور عراق ۱۶۰۹ کیلومتر و ترکیه۴۸۶ کیلومتر است از طول این مرز آمار قاچاق بالایی گزارش شده است. دو کشور هم مرز عراق و ترکیه، علی رغم همسایگی و اشتراکات فراوان تاریخی، فرهنگی و دینی، به علت عدم شناخت دقیق و واقعی از یکدیگر، از گذشته‌های دور تا سقوط صدام در عراق و به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه امکان برقراری ارتباط نزدیک و در حد انتظار را به دست نیاورده و همیشه به عنوان رقیب به هم نگریسته‌اند. در این میان، کشورهای ثالث (امریکا و اسرائیل) نیز در جهت حفظ منافع خویش، از عدم آگاهی کشورها نسبت به یکدیگر سوء استفاده کرده و سعی در دور نگه داشتن این کشورها از یکدیگر داشته‌اند و لذا بر جو عدم اعتماد حاکم بر روابط دو کشور دامن زده اند.

عوامل تأثیرگذار بر قاچاق کالا از این دو کشور به ایران و برعکس:

- وجود بحران سیاسی و خصوصاً در کشور عراق عامل تسری قاچاق کالاست؛
- وجود آمار بالای بیکاری در استان غربی (ر. ک. جدول شماره ۲) و همچنین، این آمار در همسایه‌های غربی ایران بخصوص عراق بالای ۲۵ درصد است؛
- نرخ تورم بالا در استان‌های غربی (ر. ک. جدول شماره ۲) و همچنین، بالا بودن نرخ تورم در دو کشور عراق و ترکیه؛
- توسعه پایین در استان‌های غربی (ر. ک. نقشه شماره ۱).
- تقاضای بالا در دوسوی مرز برای نمونه تقاضای بالای سوخت در عراق و خصوصاً ترکیه عامل اصلی قاچاق سوخت است؛
- شرایط اقلیمی کوهستانی و نبود پاسگاه‌های مرزی به حد کافی تسری بخش قاچاق است؛
- قاچاق کالا از سوی گروه‌های اقلیت مخالف با دو کشور ایران و ترکیه؛ برای مثال گروه پ.ک.ک که مخالف نظام ترکیه بوده، در امر قاچاق کالا از ترکیه به ایران و از ایران به ترکیه فعالیت می‌کند.

همسایگان شمالی: به رغم زمینه‌های مشترک بسیاری که با ایران وجود دارد، از جمله عامل همدینی و زبان، این مناطق براستی متفاوت بودند. هم اکنون، هدف اصلی ایران برقراری و تحکیم پیوندهای اقتصادی با آسیای مرکزی است. روابط اقتصادی بویژه به دلیل وجود مرزهای مشترک میان ایران و تعدادی ار کشورها می‌تواند ارزشمند باشد.

منطقه خزر با چهار حوزه ژئوپلیتیک مشخص ارتباط دارد که عبارتند از:

۱- حوزه آسیای مرکزی در شرق؛

۲- حوزه قفقاز در غرب؛

۳- حوزه ایران در جنوب؛

۴- حوزه روسیه و اسلاو در شمال(حافظ نیا، ۴۴:۱۳۷۸).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

حوزه‌های چهارگانه مزبور بر حوزه خزر تأثیر گذاشته، هویت ژئوپلیتیکی آن را شکل می‌دهند. از این رو مسایل خزر را باید حاصل ترکیب و التقای مسایل و دیدگاه‌های خاص چهار حوزه مزبور دانست و نیز با نیروهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای پیوند خورده، الگوی پیچیده‌ای از رقابت و همگرایی را شکل می‌دهد که این مداخله با واکنش بخش شمالی و جنوبی خزر نیز روبه رو گردیده است (حافظ نیا، ۱۳۷۸: ۴۴-۴۵).

در چهارچوب مؤلفه‌های ژئوپلیتیک، مهمترین هدف واشنگتن بازداشتن قدرت‌های منطقه‌ای؛ یعنی چین، روسیه و ایران و بخصوص دو قدرت اخیر از تبدیل شدن به بازیگر موثر در منطقه به طور عام و فعالیت در زمینه استحصال و انتقال نفت و گاز به طور خاص بوده است. واشنگتن از یک سو کوشیده تا انحصارگرایی روسیه در انتقال نفت منطقه را محدود کند و از سویی دیگر، سیاست آمریکا بر این بوده است تا هرگونه مجال و فرصت مشارکت فعال در انتقال نفت و گاز منطقه را از تهران بگیرد(یزدانی، ۴۱:۱۳۸۵).

طول مرزی ایران با ترکمنستان ۱۲۰۴ کیلومتر، جمهوری آذربایجان ۷۶۷ کیلومتر و ارمنستان ۴۰ کیلومتر است و نکته قابل توجه این است که در این طول مرزی کمترین قاچاق صورت می گیرد و در این نقطه مرزی ایران کمترین مشکل را در امر قاچاق و مبارزه با آن داشته است. عوامل گوناگونی در این امر دخیل هستند که عبارتند از:

- عدم تقاضای کافی نسبت به قاچاق در دو طرف مرز عاملی اساسی در شکل نگرفتن قاچاق در این نواحی است؛

- کنترل خوب مرزها از سوی دو طرف، چون مرز ایران قبل از انقلاب حایل رقابت غرب (امریکا و متحدان) و شرق (شوروی و متحدانش) بوده، لذا کنترل بیشتری لازم بوده و پس از فروپاشی شوروی نیز همچنان آن سیستم حفظ می-شود؛

- نقش اکو تسهیل همکاری در میان دولت‌های عضو و هماهنگ ساختن فعالیت‌های منطقه ای آنها با هدف جلوگیری از بروز قاچاق کالاست. از این رو، اکو می‌تواند چارچوبی برای انواع مشخصی از اقدام دسته جمعی در اختیار اعضا قرار دهد و همچنین، با همسو کردن کشورهای عضو برای جلوگیری از قاچاق کالا در کشورها عمل کند.

همسایگان شرقی: بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و اداری موجود در افغانستان و تاحدودی در پاکستان که دست‌کم در دهه‌های گذشته وجود داشته و با وجود تشکیل دولت جدید در افغانستان و حضور نیروهای خارجی در هر دو کشور که هنوز هم شاهد آن هستیم، به شکل‌های مختلف کشورهای همجوار این دو کشور و به ویژه ایران را تحت تأثیر خود قرار می دهد. افزایش فقر و بیکاری در این کشورها و ناامنی‌های ایجاد شده توسط نیروهای خارجی و طالبان و به طبع افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی و افزایش قاچاق کالا را شاهد هستیم.

بنابراین، وجود قومیت‌های مشترک، مذهب مشترک و در بعضی مکان‌ها زبان مشترک، عامل مهمی در ایجاد احساس وابستگی و دلبستگی بین ساکنان دو سوی مرز است؛ به ویژه آن که این افراد در ایران جزو اقلیت‌های قومی - مذهبی محسوب می شوند و در آن سوی مرز اکثریت دارند. این احساس مشترک و وابستگی متقابل خواه ناخواه نوعی گرایش در مرزنشینان ایرانی نسبت به همکیشان خود در افغانستان و پاکستان ایجاد می کند که زمینه بسیاری از همکاری‌های مجاز و غیرمجاز را فراهم می‌آورد؛ مخصوصاً که وضعیت اقتصادی ساکنان حاشیه مرز در آن دو کشور بسیار پایین‌تر از ایران است. نکات ذیل از جمله مواردی است که قاچاق کالا از این کشورها را به ایران تسهیل کرده است.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

– وضعیت طبیعی و انسانی مناطق مرز ایران با پاکستان و افغانستان مسأله کنترل آن را دشوار می‌کند. این مرز در بین مرزهای ایران در دو دهه گذشته، بیشترین ارتباطات و تعاملات غیرقانونی را داشته و ایران تاکنون آسیب‌های زیادی از آن دیده است.

– ساختار جغرافیایی و طبیعی مرز، توسعه نیافتگی و فقر عمومی مناطق مرزی(ر. ک. به جدول ۲)؛

– ساختار انسانی و پیوندهای فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی ساکنان دو طرف مرز؛

– طولانی بودن مرز شرقی ایران با دو کشور افغانستان و پاکستان(نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر) و وضع توپوگرافی خاص مرز حاشیه مرز شرقی از سمت ایران، کنترل مرز و جلوگیری از ورود قاچاق کالا را با مشکل مواجه کرده است. این در حالی است که تاکنون اقدامات متنوعی در نوار مرزی توسط ایران صورت گرفته است.

– محروم بودن و عدم توسعه در استان‌های شرقی(ر. ک. جدول ۲ و نقشه شماره ۱) و نبود فرصت‌های شغلی، بستر مناسبی را برای روی آوردن افراد به قاچاق فراهم نموده است.

– سرمایه گذاری و فعالیت‌های اقتصادی مستلزم وجود امنیت و اطمینان خاطر سرمایه گذاران است. اما گسترش قاچاق کالا در مناطق مرزی به ناامن کردن فضای سرمایه گذاری به طور اخص در آن مناطق و به طور عموم در کل کشور انجامیده است.

و این نکته را باید اضافه کرد که تجارت غیر قانونی مواد مخدر، دومین رشته درآمد نجومی در جهان امروز، پس از صنعت تسلیحات است. طبق برآورد صندوق بین المللی پول، حجم پول در گردش این رشته ۵۰۰ میلیارد تا ۱/۵ تریلیون دلار؛ یعنی ۱/۵ تا ۴/۵ درصد ناخالص جهان است (سوانسترم، ۵۴:۱۳۸۳). تبدیل افغانستان طی دو دهه گذشته به بزرگترین تولید کننده تریاک به علت شرایط خاص آن کشور، و از سویی دیگر مجاورت آن با جمهوری اسلامی ایران با وجود ۹۵۴ کیلومتر مرز مشترک، پیامدها و خسارت سنگینی را بر ایران وارد نموده است. وارد شدن این گروه‌های مافیایی به واردات کالاهای قاچاق، باعث امنیتی شدن و سخت شدن مبارزه با قاچاق کالا در این منطقه شده است.

همسایگان حوزه خلیج فارس: در میان مناطقی که در بخش موسوم به خاورمیانه، به عنوان مناطق ژئوپلیتیک مستقل و متمایز شناخته می‌شود، خلیج فارس مدل یگانه‌ای از یک منطقه ژئوپلیتیک را ارایه می‌دهد. این حوزه به عنوان یک منطقه کارکردی در نظام جهانی از هشت واحد سیاسی یا کشور مجاور یکدیگر تشکیل شده است که هویت خود را از خلیج‌فارس گرفته و حول آن گرد آمده‌اند. در میان هشت کشور خلیج‌فارس، یکی از پهناورترین کشورهای جهان(عربستان) و یکی از کوچکترین آنها(بحرین) دیده می‌شوند. همچنین، یکی از کهنترین کشورهای جهان(ایران) به همراه یکی از جدیدترین آنها(امارات متحده عربی) بر گرد این دریا حضور دارند. از دیدگاه مذهبی، اگر چه همه کشورهای منطقه خلیج فارس مسلمان‌اند، ولی نمونه منحصر به فرد برخی تفاوت‌های مذهبی دنیای اسلام در این منطقه دیده می‌شود. ایران که پیش از استقلال جمهوری آذربایجان از شوروی، تنها کشور شیعه مذهب جهان بود، عربستان سعودی و قطر، که تنها کشورهای وهابی جهان هستند و عمان که تنها کشور اباضی مذهب جهان است، همگی در اطراف این دریا واقع‌اند(مدنی، ۱۵۰:۱۳۸۵).

کشف ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیز احتیاج و نیاز ضروری جهان صنعتی به این منابع موجب تردد هر روزه تعداد زیادی شناور حامل مواد سوختی از خلیج فارس و تنگه

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

هرمز شده است و همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان تبدیل ساخته است؛ به گونه ای که تعامل و انطباق موقعیت های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران در این منطقه، کشور ایران را به یکی از نواحی پراهمیت جهان بدل کرده است.

نفت حدود ۴۰ درصد احتیاجات انرژی جهان و ۹۰ درصد سوخت لازم برای حمل و نقل را تأمین می کند (میرترابی، ۱۳۸۵:۱۸۰). منطقه خلیج فارس، جایگاهی برجسته در بازار انرژی جهان دارد. چهار کشور تولید کننده نفت جهان، در این منطقه قرار دارد. ۶۴درصد ذخایر تثبیت شده نفت، در خاورمیانه است و عربستان به تنهایی، نزدیک به ۲۵ درصد از ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. گذشته از آن، بزرگترین میدان های جهان در این منطقه قرار دارد و پیش بینی می شود که سهم منطقه خلیج فارس در تولید جهانی نفت، از ۲۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۴۰/۹ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یابد (ربیعی، ۱۳۸۶:۸۱).

ذخایر ثابت شده گاز ایران مقدار۲۸/۱۳ تریلیون متر مکعب است که پس از روسیه با داشتن ذخایر ثابت شده ۴۷/۶۵ تریلیون متر مکعب، دوم است. این مقدار گاز ایران با ۱۷۶/۴۹ میلیارد بشکه نفت معادل است. اگر مجموع ذخایر ثابت شده نفت و گاز ایران و جهان را به واحد بشکه نفت معادل محاسبه کنیم، آنگاه ایران دارای ۳۱۴/۴۴ میلیارد بشکه نفت معادل در بخش ذخایر ثابت شده نفت و گاز خود است و عربستان سعودی دارای ۳۱۲/۷۳ میلیارد بشکه نفت معادل و روسیه دارای ۳۷۹/۲۲ میلیارد بشکه نفت معادل و عراق ۱۳۴/۹۴ میلیارد بشکه نفت معادل است. این به معنای آن است که ایران در موقعیت دوم و بالاتر از عربستان در مجموع نفت و گاز می‌ایستد(مکی،۱۳۸۶:۹).

مرز آبی بین ایران و همسایگان جنوبی بوده، مهترین عوامل در قاچاق کالا از این کشورها به ایران عبارتند از:

- محورهای متعدد ورود و خروج، تعدد اسکله‌ها، شناورها و قایق‌های موجود در سواحل جنوب کشور؛
- عدم کنترل دقیق ورودی‌های مرزی و رهگیری کالاهای ترانزیتی؛
- بالا بودن آمار بیکاری و تورم در استان‌های جنوبی(ر. ک: جدول شماره ۲)؛
- بنادر خلیج فارس ایران مهترین مرکز واردات و صادرات بوده، عدم استفاده بهینه از فن‌آوری‌های جدید در این بنادر عاملی در قاچاق کالاست؛
- توسعه پایین در استان‌های مرزی(ر. ک: نقشه شماره ۱ و جدول شماره ۲)؛
- تفاوت فاحش قیمت فرآورده‌های نفتی با کشورهای حوزه خلیج فارس، عاملی تأثیرگذار بر قاچاق حامل‌های سوختی بوده که نمی‌توان نادیده گرفت؛
- خلیج فارس به عنوان مهترین آبراه بین‌المللی(نفت و گاز) شناخته می‌شود، و لذا نمی‌توان همه کانتینربرها و کشتی‌ها را بازرسی و کنترل کرد؛
- حضور ناوهای خارجی(امریکایی) نیز متغیری که بر قاچاق کالا تأثیرگذار است؛
- تعدد لنج‌ها و قایق‌های ماهیگیری گوناگون در این منطقه که مهمترین اشتغال این منطقه را تشکیل می‌دهد، لذا کنترل همهٔ آنها غیر ممکن است؛
- کشورهایی مانند امارات مرکز و بازار مهم منطقه خلیج فارس بوده و بیشتر کشورهای جهان تجارت آزاد جهانی امضاء کرده است؛

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

حضور نیروهای بیگانه(امریکا)در منطقه: امریکا به دنبال توسعه و تحکیم هرچه بیشتر قدرت و نفوذ خود در سطح جهان و تلاش در جهت کاهش قدرت و نفوذ رقیبان سیاسی و اقتصادی اش در دنیاست (متقی، ۱۳۷۶). حضور ایالات متحده در کشورهای پیرامونی ایران برای به چالش کشیدن امنیت ملی ایران همواره یکی از سیاست‌های اصلی واشنگتن در قبال ایران در سال‌های اخیر بوده است.

در شرایطی که امریکا تلاش بیشتری بر محاصره اقتصادی ایران در منطقه داشته است و مدتی است که سیاست محاصره اقتصادی – سیاسی ایران در پیرامون آن را دنبال می کند تا از این طریق به سیاست محاصره اقتصادی بین‌المللی ایران کمک کند، بر اساس این سیاست، که می توان آن را محاصره جغرافیایی ایران نامید، کشورهای همسایه ایران یا باید روابط پر تنش و متشنجی با ایران داشته باشند یا در پیمان‌های سیاسی – اقتصادی – نظامی تحت نفوذ آمریکا عضویت یابند(امیر احمدی، ۵:۱۳۸۵).

روند تحولات سیاسی و جغرافیای سیاسی در سالهای اخیر گویای این واقعیت است که امریکا در عین تحقق دیگر اهداف فوق، قصد دارد به طور مستقیم و غیر مستقیم حلقه محاصره سیاسی و نظامی خود در مناطق پیرامونی و همجوار ایران تکمیل کرده و بنابراین، فشارهای روانی – سیاسی خود را علیه ایران بیشتر کند.

به عبارت روشن تر، ایران پس بعد از تحولات افغانستان و عراق از سوی امریکا و متحدانش ما بین گیره‌ای قرار گرفته است که یک سر آن عراق، آذربایجان و تا حدودی ترکیه و سر دیگرش را در افغانستان و پاکستان تشکیل می‌دهند. همچنین، جدا از گیره فشار در جهت شرقی و غربی ایران، تمرکز نیروهای آمریکایی در آبهای خلیج فارس و دریای عمان در قالب ناوگان پنجم دریایی آن کشور، و نیز نفوذ شدید بر کشورهای شمالی ایران، خصوصاً آذربایجان حلقه محاصره ایران را کامل‌تر کرده است.

تأثیرات حضور امریکا در منطقه و اطراف ایران بر قاچاق کالا به ایران عبارت است:

– اعمال تحریم بر ضد ایران، شکل‌گیری قاچاق کالا بر ایران را موجه می‌سازد و طبق تئوری جامع اقتصادی، بیانگر این موضوع است که با تحمیل تحریم، کمبود کالا پیش می‌آمده و قیمت‌ها افزایش می‌یابد و همراه با افزایش قیمت کالاهای تحریم شده، انگیزه برای تهیه مایحتاج عمدتاً از بازار سیاه بیشتر است.

– در زمان تحریم، دولت به منظور کاهش هزینه و افزایش درآمد، تعرفه‌ها و مالیات واردات را بالا می‌برد. در این حالت، به دلیل تقاضا در بازار داخلی فعالیت قاچاق کالا سودآور می‌شود.

– اعمال تحریم به دلیل اینکه بر اساس تئوری هزینه – فایده برای قاچاقچی، با افزایش فواید ناشی از قاچاق و درآمد ناشی از آن که به دلیل تفاوت قیمت در بازار تحریم نشده و بازار تحریم شده به وجود می‌آید، تمایل به انجام قاچاق را افزایش می‌دهد.

– امریکا به عنوان مهمترین دشمن ایران محسوب می‌شود و برای ضربه زدن به اقتصاد ایران از مافیای قاچاق کالا به ایران حمایت می کند.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

نتیجه‌گیری:

وجود مرزهای گسترده خشکی و دریایی بین‌المللی، موقعیت جغرافیایی، وسعت زیاد کشور، وجود ناهمواری‌ها که باعث ایجاد معابر و محورهای متعدد کوهستانی مساعد برای ورود وخروج کالاهای قاچاق می‌گردد، تحرکات سیاسی و کنش‌های برون منطقه‌ای (حضور نیروهای امریکا در خاورمیانه و خلیج‌فارس) و ضعف دولت‌های همسایه در تامین امنیت مرزها، تنوع قومی و فرهنگی، داشتن جمعیت بالای فعال و جوان، همگی این عوامل که موقعیت ژئوپلیتیکی یک کشور را تعیین می‌نمایند، اگر با برنامه ریزی صحیح این عوامل در خدمت توسعه و رونق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نگیرند، باعث به وجود آمدن مشکلات عدیده‌ای از جمله به وجود آمدن پدیده قاچاق کالا می‌گردد.

امروزه قاچاق کالا و گرایش به مصرف کالاهای خارجی، یکی از مسائل مهمی است که اساس فرهنگ، اقتصاد و امنیت ملی کشور را نشانه گرفته است؛ اگر چه بسیاری از کشورهای دنیا با این مسأله دست به گریبان هستند، اما این موضوع، امروزه در ایران آن قدر اهمیت پیدا کرده است که ضرورت توجه، شناخت و مبارزه جدی و بی امان با آن، از اصول خدشه ناپذیر مبارزه به شمار می‌رود.

پیشنهادها و راهکارها:

- در امر مبارزه با قاچاق کالا به جای تاکید بر به وجود آوردن یک وحدت سازمانی بین کشورها، ایران باید با کشورهای منطقه خصوصاً همجوار توافق‌های دوجانبه ای برای مبارزه با این پدیده داشته باشد چون از یک طرف زمان کمتری صرف خواهد شد و از طرف دیگر، زمان کمتری صرف توافقات طرفین می‌شود؛

- ایران باید سعی کند عوامل به وجود آمدن چنین پدیده‌ای را از بین ببر، مانند: حذف یارانه‌های سوخت، بالا بردن سرمایه‌گذاری و فرصت شغلی در استان‌های مرزی و فرهنگ سازی و.....

- بالا بردن کیفیت کالا و پایین آوردن قیمت آنها و قابل رقابت‌پذیر کردن کالاهای ایرانی که بتواند عاملی در وارد نشدن کالاهای قاچاق خارجی باشد.

- تاکید بر تولید کالایی که ایران در آن مزیت نسبی در منطقه و جهان دارد؛ مانند: محصولات پتروشیمی و محصولات کشاورزی و ...

منابع:

۱- ادواردز و همکاران. (۱۳۷۹)و تحقیق پیمایشی؛ راهنمای عمل، ترجمه؛ سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲- امیراحمدی، هوشنگ. (۱۳۸۵). بحران افغانستان و سیاست منطقه‌ای ایران، فصلنامه سیاسی – اقتصادی، ش ۱۳۴-۱۳۳.

۳- اتوتایل، ژئاروید؛ سیمون دالبی و پاول ردتلج. (۱۳۸۰). اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمد رضا حافظ نیا وهاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۲). گزارش اوضاع اقتصادی –اجتماعی استان های کشور، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، اداره آمار اقتصادی.

۵- تقوی اصل، سیدعطار. (۱۳۷۹). ژئوپلتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان، تهران: چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

۶- پرهام‌فر، امیر محمّد. (۱۳۸۶). «مبارزه با قاچاق کالا و سیاست‌های توسعه اقتصادی در ایران»، اطلاعات سیاسی – اقتصادی، ش ۲۴۶-۲۴۵.

۷- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۶). رابطه متقابل امنیت و دفاع با آمایش سرزمین»، مجموعه مقالات دانشگاه امام حسین (ع).

۸- ـــــــــــــ (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.

۹- ـــــــــــــ (۱۳۸۰). «چالش های ژئوپلیتیکی اقتصاد ایران در دهه ۸۰». مجموعه مقالات همایش دوسالانه اقتصاد ایران، دانشگاه تربیت معلم.

۱۰- ـــــــــــــ (۱۳۷۸).، «تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلتیک خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هشتم، دوره سوم، شماره ۲۷، پاییز.

۱۱- ربیعی، حسین. (۱۳۸۶). «نفت، ژئواکونومیک و آینده منطقه خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی – اقتصادی، ش ۲۴۴-۲۴۳.

۱۲- رفیع، حسین. (۱۳۸۷). «دانشواژه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی در دنیای اطلاعات(با تاکید بر مورد ایران)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق وعلوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۳.

۱۳- سوانسترم، نیکلاس. (۱۳۸۳). «تجارت مواد مخدر، تهدیدی برای امنیت آسیای مرکزی و قفقاز»، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۱۴- شریف نژاد، جواد. (۱۳۸۶)، «تأثیر توسعه اقتصادی بر امنیت مرزها»، همایش مرز، نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی.

۱۵- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۸۰)، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران.

۱۶- عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰)، نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی، تهران انتشارات دانشکده فرماندهی سپاه تهران.

۱۷- فرهنگ‌آذر، میرجعفر. (۱۳۸۶)، «صیانت از مرزهای کشور جمهوری اسلامی ایران با رویکرد سیاسی و اقتصادی»، همایش مرز، نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی.

۱۸- کریمی‌پور، یدالله. (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، تربیت معلم تهران.

۱۹- کسینجر، هنری(۱۳۸۳)، دیپلماسی آمریکا در قرن۲۱، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی، تهران: ابرارمعاصر.

۲۰- لاکست، ایو. (۱۳۶۸)، مسائل ژئوپلیتیک، اسلام، دریا، آفریقا؛ ترجمه آگاهی، تهران: دفتر نشر و فرهنگ.

۲۱- لورو، پاسکال و توال فرانسوا. (۱۳۸۱). کلیدهای ژئوپلیتیک، ترجمه حسن صدوق‌ونینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

۲۲- متقی، ابراهیم. (۱۳۷۶). تحولات سیاست خارجی آمریکا، مداخله گرایی و گسترش:۱۹۴۵ -۱۹۹۷، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۳- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران: نشر نی

۲۴- مدنی، سید مصطفی. (۱۳۸۵). «تفاوت‌ها و تعارض در حوزه ژئوپلیتیک خلیج‌فارس»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد بیستم، ش ۱.

۲۵- مکی، عباس. (۱۳۸۶). « آینده جهان و امنیت انرژی»، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، ش بیست و دوم، بهمن.

۲۶- ملایی، کامبیز. (۱۳۸۶). مرز و امنیت آن بر جرایم، از دیدگاه جامعه شناسی انحرافات، همایش مرز، نیروی انتظامی استان آذربایجان غربی.

۲۷- میرترابی، سعید. (۱۳۸۵). « نظم تازهٔ بازار نفت جهان»، اطلاعات سیاسی – اقتصادی، ش ۲۲۴-۲۲۳.

۲۸- میرحیدر، درّه. (۱۳۷۷). «ژئوپلیتیک: ارایه تعریفی جدید»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۵۱، شماره ۴۴۰.

۲۹- مینایی، مهدی. (۱۳۸۱). «۱۱ سپتامبر و شکل‌گیری ژئوپلیتیک جدید جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۸.

۳۰- نمک شناس، رضا. (۱۳۸۴). « بررسی پدیده قاچاق سوخت در استان سیستان و بلوچستان»، مجله اقتصادی، ش ۴۳ و ۴۴.

۳۱- واعظی، محمود. (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک بحران درآسیای مرکزی وقفقاز(بنیان ها و بازیگران)، تهران: دفترمطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امورخارجه.

۳۲- یاسوری، مجید.(۱۳۸۴). «سیاستگذاری منطقه‌ای و چگونگی نابرابری‌ها در کشور»، ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۲۱۲-۲۱۱

۳۳- یزدانی، عنایت الله.(۱۳۸۵). «ژئوپلتیک نفت در منطقه خزر و نقش آمریکا: بازدارندگی جدید»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، ش ۵۶، زمستان.

۳۴- Cohen, B .Saul(۱۹۷۸), Geopolitics in the Era In Reordering the world, New York.

۳۵- Dikshit, R.D (۱۹۹۵), Political Geography, New Delhi :Tata Mc-Grew-Hill.

۳۶- Sullivan, Patrick(۱۹۸۲), Ant domino, Political Geography, Quarterly ۱.

۳۷- Plano, J.C & R .Olton(۱۹۸۸), the International Relations Dictionary, California :Longman.

۳۸- Sullivan, Patrick(۱۹۸۶), Geopolitics, London :room Helm.

۳۹- -Taylor, peterj(۱۹۹۳), political Geography of the twentieth century, Belhaven press, London

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-07]